

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»

و ما آسمانها و زمین و آنچه را بین آنهاست به بازی نیافریدیم. (سوره دخان، آیه ۳۸)

هدفمندی یعنی چی؟

«لعب» به معنی کار بی هدف، بی برنامه و بی نتیجه هست، درست مثل بازی های کودکانه. اما آفرینش هستی لعب و بازیچه نیست بلکه هدف داره. هدف، برای هر کار و هر راه، وضعیتی هست که می خوایم به اون برسیم. اما تا زمانی که هدفمون رو تعیین نکنیم، ناخودآگاه جامعه اطرافمون اون رو به ما تحمیل می کنه. فرض کنید (خدای نکرده) شما در اثر برخورد سنگ به سرتون تو کوه، حافظتون رو از دست می دید و نقشه و هدفتون رو گم می کنید، اصلاً یادتون نمیاد چرا اومدید وسط کوه! حالا چی کار می کنید؟ کدوم طرفی حرکت می کنید؟ حرکت به سمت قله رو ادامه می دید یا برمی گردید؟ اینجاست که ضرورت هدف مشخص می شه. هدف، انسان رو از سردرگمی و گمراهی در زندگی نجات می ده. همچنین باعث آرامش خاطر می شه و به انسان انگیزه می ده.

ما انسانها در زندگی مون یه سری اهداف در نظر می گیریم و به نوعی اونا رو ارزشمند می دونیم و دوستشون داریم. از طرفی میشه گفت هدف هر انسان و اون چیزی که دوست داره بهش برسه، بیانگر ارزش اون فرد و شخصیتشه. خوبه که در رابطه به این موضوع به خاطره ای از علامه جعفری (ره) اشاره کنیم:

عده ای از جامعه شناسان برتر دنیا در دانمارک جمع شده بودند تا پیرامون موضوع مهمی به بحث و تبادل نظر بپردازند. موضع این بود: «ارزش واقعی انسان به چیست؟» برای سنجش ارزش خیلی از موجودات معیار خاصی داریم. مثلاً معیار ارزش طلا به وزن و عیار آن است. معیار ارزش بنزین به مقدار و کیفیت آن است. معیار ارزش پول پشتوانه ی آن است. اما معیار ارزش انسان ها در چیست. هر کدام از جامعه شناس ها صحبت هایی داشتند و معیارهای خاصی را ارائه دادند. بعد گفتند: وقتی نوبت به بنده رسید گفتم: اگر می خواهید بدانید یک انسان چقدر ارزش دارد ببینید به چه چیزی علاقه دارد و به چه چیزی عشق می ورزد. کسی که عشقش یک آپارتمان دو طبقه است در واقع ارزشش به مقدار همان آپارتمان است. کسی که عشقش ماشینش است ارزشش به همان میزان است. اما کسی که عشقش خدای متعال است ارزشش به اندازه ی خداست. علامه فرمودند: من این مطلب را گفتم و پایین آمدم. وقتی جامعه شناس ها صحبت های مرا شنیدند برای چند دقیقه روی پای خود ایستادند و کف زدند. وقتی تشویق آنها تمام شد من دوباره بلند شدم و گفتم: عزیزان! این کلام از من نبود. بلکه از شخصی به نام علی (ع) است. آن حضرت در نهج البلاغه می فرمایند: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ» «ارزش هر انسانی به اندازه ی چیزی است که دوست می دارد»

وقتی این کلام را گفتم دوباره به نشانه ی احترام به وجود مقدس امیرالمؤمنین علی (ع) از جا بلند شدند و چند بار نام آن حضرت را بر زبان جاری کردند...

بنابراین، هدفمندی مسئله‌ی بسیار کلیدی‌ای در زندگی هر انسانیه. کسی که هدف مشخصی نداره و خودشو به هیچ نیروی بیرونی متصل نکرده، مثل یه برکه‌ی ساکن و راکد به مرور زمان متعفن می‌شه و از بین می‌ره.

نکته دیگه اینه که اهداف هم درجات و سطوح دارن. شاید یه نفر یه هدف کلی برای خودش در نظر بگیره، اما در گام بعد برای اینکه بتونه به اون هدف بزرگ برسه باید بتونه اهداف خردتری ایجاد کنه تا گام به گام و با برنامه ریزی به اون هدف بزرگ نزدیک بشه.

هدف زندگی باید چیزی فراتر از خود زندگی باشه؛ چون وقتی شما چیزی رو به عنوان هدف زندگی انتخاب می‌کنید، یعنی زندگی رو وسیله و ابزاری برای رسیدن بهش قرار می‌دید. انسان باید هدف رو طوری انتخاب کنه که وقتی این زندگی تموم شد، از چیزی که به دست آورده خشنود و خوشحال باشه.

اگر آدم وضعیت نهایی رو درست ببینه و هدف رو درست تعیین کنه، باید روز به روز بهتر بشه تا به هدفش برسه. چونکه اگر هدف از جایی که هستیم بدتر باشه، حتما غلطه! پس برای این که به هدفمون برسیم، باید متحول بشیم؛ اراده کنیم و از اون چیزی که هستیم جدا بشیم و بهتر شدنمون به سمت هدف رو آغاز کنیم؛ از شر آلودگی‌ها و عیب‌ها و اون چیزهایی که در درونمون ممکنه باشه و ما رو عقب نگه داره خلاص بشیم و چیزهایی رو به دست بیاریم و کارهایی رو انجام بدیم که به ما برای رسیدن به هدف کمک می‌کنه.

«أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» آیا گمان برده اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد! (سوره مومنون، آیه ۱۱۵). خدا هم انسان رو بی‌هدف خلق نکرده. پس ما نمی‌تونیم هر کاری دلمون خواست بکنیم و هیچ تلاشی برای بهتر شدن نکنیم. اگر بخوایم خیلی ساده بگیم، ما انسان‌ها اومدیم تا به سمت بهتر شدن قدم برداریم، به سمت خدا. نکته اینه که خوب بودن و خوب موندن ما گره خورده به زندگی دیگران! علاوه بر خودمون، باید برای دیگران هم مفید باشیم و به یه دردی بخوریم. اگر اینطوری عمل کردیم اون وقت تحول پیدا کردیم.

چالش چیه؟

خب حالا که مختصراً با «هدفمندی» آشنا شدید، برای اینکه از پس این چالش بریاید و به مسیر ادامه بدید باید یه فعالیت متناسب با این موضوع انجام بدید تا شایستگی لازم رو کسب کنید. اما:

✓ یادتون نره قبلش حتما و حتما رهنمای مسیر - شماره ۲ رو با دقت خونده باشید (یا فیلمش رو دیده باشید).

✓ علاوه بر این، برای اینکه بتونید متناسب با موضوع، قالب خوبی انتخاب کنید، حتما رهنمای مسیر - شماره ۳ رو هم بخونید (یا فیلمش رو ببینید).

○ برای اینکه به درک دقیقتر و بهتری از مفهوم « هدفمندی » برسید پیشنهاد میشه از منابع زیر هم کمک بگیرید:

- کتاب آینده انقلاب اسلامی ایران. کلیات هدفهای اسلامی در بیان امام علی(ع). شهید مطهری. صفحه ۲۹ تا ۳۴

- سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در رابطه با تحول آفرینی. [سایت خامنه‌ای. آی آر](#)

❖ دستتون بازه که با ایده‌پردازی و خلاقیت خودتون از مفاهیم قرآنی استفاده کنید و به شیوه‌ی مناسب بهشون بپردازید، اما ما هم چند پیشنهاد جزئی براتون داریم تا اگر کسی هیییییییچ ایده‌ای نداشت ازونا کمک بگیره! اما دقت کنید که اینا صرفاً چند پیشنهاد هستن برای کمک!

پس تلاش کنید خودتون ایده بزنید:

- پیشنهاد ۱: ساخت یک پادکست انگیزشی درباره‌ی ضرورت هدف داشتن و هدف درست داشتن در زندگی
- پیشنهاد ۲: حکایت زندگی یک انسان هدفمند و یک انسان بی هدف در قالب یک داستان مصور (کمیک)
- پیشنهاد ۳: نقد اهداف کم ارزش یا بی ارزش با سرودن یک شعر طنز و خوندن اون
- پیشنهاد ۴: نقد اهداف کم ارزش یا بی ارزش با اجرای یک ایستاده بگو
- پیشنهاد ۵: پیدا کردن یک انیمیشن یا فیلم که تاثیر هدفمندی در موفقیت رو به خوبی نشون می‌ده و تحلیل اون